



## دلایل عقلی اثبات امامت و ضرورت وجود امام

مسئله امامت در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است و آخرین سیر تکاملی انسان است. این مقام گاهی با مقام نبوت و رسالت، جمع شده، مثل امامت حضرت ابراهیم (ع) و پیامبر گرامی اسلام (ص) و گاهی جدای از مقام نبوت بوده است مانند امامت ائمه (ع). درباره ضرورت وجود امام در جامعه باید گفت: همان طور که وجود پیامبران برای رشد و تکامل بشر لازم و ضروری است، وجود امام هم برای حفظ دین و ادامه ی برنامه ی پیامبر ضرورت دارد.

مسئله امامت در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است و آخرین سیر تکاملی انسان است. این مقام گاهی با مقام نبوت و رسالت، جمع شده، مثل امامت حضرت ابراهیم (ع) و پیامبر گرامی اسلام (ص) و گاهی جدای از مقام نبوت بوده است مانند امامت ائمه (ع). درباره ضرورت وجود امام در جامعه باید گفت: همان طور که وجود پیامبران برای رشد و تکامل بشر لازم و ضروری است، وجود امام هم برای حفظ دین و ادامه ی برنامه ی پیامبر ضرورت دارد.

ضرورت وجود انسان معصوم و حجت الهی در همه ی زمان ها با استناد به دلایل متعدد عقلی در امامت عامه است. یکی از دلایل، این است که نبوت و امامت یک فیض معنوی از جانب خداوند است و بر اساس قاعده لطف چنین لطفی باید همیشگی باشد البته برهان مظهر جامع، برهان امکان اشرف، برهان علت غایی و... از دیگر دلایل ضرورت امام شمرده شده است.

امامت در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است و قرآن مجید آن را آخرین مرحله ی سیر تکاملی انسان می داند که تنها پیامبران اولوالعزم بدان رسیده اند و در باره ی حضرت ابراهیم (ع) می فرماید: به یاد آور هنگامی که پروردگار ابراهیم او را با وسایل گوناگونی آزمود و او آزمایش خود را کامل کرد (و از عهده آنها برآمد) خدا به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم، ابراهیم گفت: از دودمان من (نیز امامانی قرار ده)، خداوند فرمود: پیمان و عهد من (امامت) هرگز به ستمکاران نمی رسد [۱]، (و تنها آن گروه از فرزندان تو که پاک و معصوم اند شایسته این مقام اند).

از این آیه استفاده می شود که این مقام بس والا است که حضرت ابراهیم (ع) بعد از دارا بودن مقام نبوت و رسالت در آخر عمر و پس از پشت سر گذاشتن آزمایش های سخت بدان نایل آمد. مقام امامت در بسیاری از موارد با مقام نبوت جمع می شود و پیامبر اولوالعزمی همچون حضرت ابراهیم خلیل (ع) به مقام امامت نیز می رسد و از آن روشن تر جمع شدن مقام رسالت و نبوت و امامت در شخص پیامبر اکرم (ص) است و نیز ممکن است در مواردی این مقام (امامت) از رسالت و نبوت جدا شود. همانند ائمه (ع) که تنها وظیفه ی امامت را بر عهده داشتند، بدون آن که وحی بر آنان نازل شود.

ادله عقلی امامت عامه در تمام زمانها عبارت اند از:

الف: برهان لطف: نبوت و امامت یک فیض معنوی از جانب خداوند است که بر اساس قاعده لطف باید همیشه وجود داشته باشد. قاعده لطف اقتضا می کند که در میان جامعه ی اسلامی امامی باشد که محور حق بوده و جامعه را از خطای مطلق باز دارد.

الطاف وجود امام غایب را می توان در موارد زیر برشمرد:

۱. حراست از دین خداوند در سطح کلی. [۲]

۲. تربیت نفوس مستعد.

۳. بقای مذهب.

۴. وجود الگویی زنده که بتواند مقتدای مردم قرار بگیرد [۳].

ب: برهان علت غایی: در علم کلام ثابت شده که خداوند از افعال خود هدف و غرضی دارد و چون خداوند کمال مطلق است و نقص در او راه ندارد، غایت افعال الهی به مخلوقات برمی گردد و غایت وجود انسان، انسان کامل است؛ یعنی انسان مانند درختی است که میوه ی آن وجود انسان کامل است [۴].

ج: برهان امکان اشرف:

در فلسفه قاعده ای مطرح می شود، به نام قاعده امکان اشرف و معنای آن این است که ممکن اشرف باید در مراتب وجود اقدم از ممکن اخس باشد... [۵]

در عالم وجود، انسان اشرف مخلوقات است و محال است که وجود، حیات، علم، قدرت و جمال و... به افراد انسان برسد قبل از آن که این کمالات به انسان کاملی که حجت روی زمین است، رسیده باشد.

د: برهان مظهر جامع:

هویت مطلقه ی خداوند در مقام ظهور، احکام وحدت بر او غلبه دارد و در وحدت ذاتی مجالی برای اسمای تفصیلی نیست. از طرف دیگر در مظاهر تفصیلی که در عالم خارج ظاهر می شوند، احکام کثرت، غالب بر وحدت است. این جاست که فرمان الهی مقتضی صورتی اعتدالی است که در آن وحدت ذاتی و یا کثرت امکانی بر یکدیگر غلبه نداشته باشد، تا بتواند مظهری برای حق از جهت اسمای تفصیلیه و وحدت حقیقیه باشد و آن صورت اعتدال همان انسان کامل است. [۶]

علامه حلی (ره) در توضیح کلام خواجه نصیرالدین طوسی به بعضی از این ضرورت های وجود امام اشاره کرده و می فرماید:

۱- وجود پیامبر ضروری است تا شناخت عقلی بشر، به واسطه ی بیان نقلی تقویت شود؛ زیرا اگر چه انسان با نیروی عقل بسیاری از حقایق از اصول و فروع دین را درک می کند، ولی گاهی در اعماق وجودش وسوسه ها و تزلزل هایی وجود دارد که مانع از اعتماد بر آن و انجام آنها می گردد، اما هنگامی که این احکام عقلی با بیان پیشوای الهی تقویت گردد، هر گونه تزلزل و شک و دودلی زدوده خواهد شد و انسان با قوت قلب به سوی یافته های عقلی خود خواهد رفت.

۲- بسیاری از امور وجود دارد که عقل، حسن و قبح آن را درک نمی کند و باید دست به دامن پیشوایان الهی گردد، تا بتواند خوبی و بدی آنها را دریابد.

۳- بسیاری از اشیا مفید و برخی دیگر زیان بارند و انسان تنها با فکر خود قادر به درک سود و زیان همه ی آنها نیست. این جاست که احساس نیاز می کند، تا کسی سود و زیان اشیا را برای او بیان نماید و این کار تنها از عهده ی پیشوایان الهی که با منبع وحی در ارتباط هستند بر می آید.

۴- انسان موجود اجتماعی است و اجتماع بدون داشتن قوانینی که حقوق همه ی افراد را حفظ کند و آنها را در مسیر صحیح پیش ببرد؛ سامان نخواهد یافت و به کمال مطلوب نخواهد رسید، تشخیص این قوانین به طور صحیح و اجرای آنها جز به وسیله ی رهبران آگاه، پاک و معصوم صورت نخواهد گرفت.

۵- انسان ها در درک کمالات و تحصیل علوم و معارف و کسب فضایل متفاوت اند، بعضی از آنها توانایی حرکت در این مسیر را دارند و برخی عاجز و ناتوانند. رهبران الهی گروه اول را تقویت و گروه دوم را یاری می کنند، تا هر دو گروه به کمال ممکن برسند.

۶- با توجه به تفاوت مراتب اخلاق در انسان ها، تنها راه برای پرورش این فضایل، رهبران پاک و معصوم هستند.

۷- پیشوایان الهی از ثواب و عقاب و پاداش و کیفر الهی در برابر طاعت و گناه آگاهی کامل دارند و هنگامی که دیگران را از این امور آگاه کنند، انگیزه نیرومندی برای انجام وظیفه در آنان پیدا می شود. [۷]

با توجه به این که امامت چیزی جز استمرار خط نبوت نیست، غالب این فلسفه ها که در ضرورت نبوت بیان شده است، در مورد امامان معصوم نیز ثابت است. به بیان دیگر خداوندی که نوع بشر را برای پیمودن راه کمال و سعادت آفریده است، همان گونه که باید برای هدایت او پیامبرانی را که متکی بر نیروی وحی و دارای مقام عصمت باشند مبعوث کند، لازم است برای تداوم این راه، بعد از رحلت پیامبران، جانشینان معصومی قرار دهد تا جامعه ی انسانی را در رسیدن به سر منزل مقصود کمک کنند و به یقین بدون آن (جانشینان پیامبر) این هدف ناتمام خواهد ماند؛ زیرا اولاً: عقول انسانی به تنهایی برای تشخیص تمام عوامل و اسباب پیش رفت و کمال، قطعاً کافی نیست و گاهی حتی یک دهم آن را نیز تشخیص نمی دهد.

ثانیاً: آیین انبیا بعد از رحلت آنان، ممکن است دست خوش انواع تحریفات گردد. برای جلوگیری از تحریف لازم است پاسدارانی معصوم و الهی باشند، تا از آن پاسداری کنند. درست است که خداوند در باره ی قرآن مجید فرمود: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون [۸]» یعنی: «ما قرآن را فرستادیم و خود حافظ و نگهبان آن هستیم.» اما حفظ دین باید از طریق علل و اسباب آن باشد که این اسباب همانا امامان معصوم (ع) هستند.

ثالثاً: تشکیل حکومت الهی و برقراری عدل و قسط و رسانیدن انسان به اهدافی که برای آن آفریده شده است، جز از طریق انسان های معصوم ممکن نیست؛ زیرا به گواهی تاریخ حکومت های انسانی همیشه در مسیر منافع مادی افراد یا گروه های خاصی سیر کرده و تمام تلاش آنها در همین راستا بوده است و همان گونه که بارها آزموده ایم عناوینی مثل دموکراسی و حکومت بر مردم یا حقوق بشر و مانند آن پوششی است برای رسیدن به اهداف شیطانی قدرت ها و آنها با استفاده از همین ابزار مقاصدشان را به شکل مرموزی بر مردم تحمیل کرده اند.

رابعاً: ادامه و استمرار دستورات دین در جوامع نیاز به وجود امامان خبیر و آگاه به تمام جزئیات و دقایق دین دارد، تا در هیچ لحظه ای کوچک ترین نقطه ابهامی برای کسی باقی نماند.

از آنچه گفتیم به خوبی ضرورت و فلسفه وجود امامان معصوم معلوم می گردد [۹].

.....  
پی نوشتها؛

- [۱] . «و اذا ابتلى ابراهيم ربه بكلمات فاتمهن قال انى جاعلك للناس اماماً قال و من ذريتى قال لا ينال عهدى الظالمين» بقره، ۱۲۴.
- [۲] . شریف العلماء، كشف القناع، ص ۱۴۸.
- [۵] . طباطبائی، نهاية الحکمة، صص ۳۱۹ و ۳۲۰.
- [۶] . نک: تمهید القواعد، ص ۱۷۲؛ جوادى آملى، عبد الله، تحرير تمهيد القواعد، ص ۵۴۸-۵۵۵.
- [۷] . نک. شرح تجرید، ص ۲۷۱ (با کمی تلخیص و اقتباس)، به نقل از پیام قرآن، ج ۹، ص ۳۸-۳۷ .
- [۸] . حجر، ۹.